



انتشار تقریظ رهبر انقلاب بر کتاب «آخرین فرصت»



تقریظ رهبر معظم انقلاب بر کتاب «آخرین فرصت»، خاطرات رفت قافلان کوهی، همسر شهید علی کسایی به‌زودی منتشر می‌شود.

تقریظ مقام معظم رهبری بر کتاب «آخرین فرصت»، نوشته سمیرا اکبری، به‌زودی منتشر خواهد شد. این اثر روایتی است از زندگی شهید علی کسایی از زبان همسرش، خانم رعت قافلان کوهی.

کتاب که از سوی به‌نشر به چاپ رسیده و تاکنون ۲۰ بار بازنشر شده، روایتی ساده دارد از زندگی یک زوج در دهه ۶۰ در فراز و فرودهای وقایع سیاسی - اجتماعی آن ایام.

شهید علی کسایی عید غدیر سال ۱۳۳۴ در شیراز

به دنیا آمد. سال ۱۳۵۰ در رشته کارشناسی زبان

و ادبیات عرب در دانشگاه فردوسی مشهد پذیرفته

شد. همزمان تحصیلات حوزوی خود را در حوزه

علمیه مشهد آغاز و از محضر علمایی مانند میرزا

جواد تهرانی، آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله فلسفی

کسب فیض کرد.

پس از پایان تحصیلات دانشگاهی دوره سربازی

خود را در مرکز پیاده شیراز گذراند. همزمان با

اوج‌گیری انقلاب، فعالیت‌های انقلابی زیادی علیه

رژیم شاه داشت و بسیاری از مواقع با همان لباس

سربازی، اعلامیه‌ها و نوارهای امام خمینی(ره) را

مخفیانه به پادگان می‌برد و سربازان را با نهضت امام

آشنا می‌کرد. همچنین در تظاهرات خیابانی دوران

انقلاب شرکت می‌کرد.

با پیروزی انقلاب اسلامی، به توصیه شهید محراب،

آیت‌الله دستغیب شهید کسایی در ارتش ماند و در

عقیدتی - سیاسی این نهاد مشغول خدمت شد.

این شهید بزرگوار زندگی‌اش را وقف آموزش،

تفسیر قرآن و نهج‌البلاغه کرده بود و در مساجد شیراز

کلاس‌های درس تفسیر نهج‌البلاغه برگزار می‌کرد.

در رادیو و تلویزیون و پادگان‌های شهرهای مختلف

نیز درباره نهج‌البلاغه سخنرانی داشت.

حتی با حضور در زندان عادل‌آباد شیراز، برای

زندانیان سیاسی بویژه گروه منافقین، با محور

نهج‌البلاغه سخنرانی و روشنگری می‌کرد. افرادی

از همین منافقین هم با صحبت‌های وی متحول

شدند.

شهید کسایی در ۲۵ سالگی با خانم «رعت

قافلان کوهی» که از شاگردانش در کلاس نهج‌البلاغه

بود ازدواج کرد و خطبه عقد این ۲ بزرگوار، توسط

امام خمینی(ره) جاری شد که ثمره ازدواج آنها ۴

فرزند بود.

حضور علی کسایی به عنوان یک ارتشی مکتبی،

خاری در چشم منافقین بود. آنها در شهریور ۱۳۶۰

قصد ترور وی را داشتند که بر اثر این حمله به

سختی مجروح شد ولی به لطف خداوند، پس از

مدتی سلامتی خود را بازیافت.

با شروع جنگ تحمیلی وی راهی جبهه‌های

نبرد شد و پس از چند نوبت حضور در عملیات‌های

مختلف، در پادامه سال ۶۶ در منطقه عملیاتی سومار

و ارتفاعات ۴۰۲ به شهادت رسید.

■ ■ ■

شاپور عظیمی

منتقد سینما در گذشت



شاپور عظیمی، منتقد سینما به دلیل عارضه قلبی در ۶۱ سالگی درگذشت.

شاپور عظیمی، منتقد سینما، نویسنده کتاب‌های

سینمایی و مدرس، صبح دیروز ۲۸ بهمن به دلیل عارضه

قلبی در بیمارستان درگذشت.

جعفر گودرزی، رئیس انجمن منتقدان و نویسندگان

سینما این خبر را در گفت‌وگو با مهر تایید کرد و گفت:

آقای شاپور عظیمی، عضو خوب انجمن ما بود و امیدوارم

روح‌شان شاد باشد به احتمال زیاد مراسم تشییع وی

فردا ۲۹ بهمن برگزار می‌شود.

شاپور عظیمی به دلیل گرفتگی رگ‌های قلب هفته

گذشته در بیمارستان بستری شده بود و دیروز قرار بود

از بیمارستان مرخص شود.

عظیمی متولد ۱۳۲۲ در تهران بود. وی تا مقطع

کارشناسی ارشد، سینما خوانده و مترجم بیش از

۳۰ عنوان کتاب در زمینه‌های سینما، ادبیات و

روانشناسی است و بیش از ۳۰ سال سابقه نگارش

مقالات سینمایی در نشریه‌های مختلف را سینمایی

دارد. از جمله کتاب‌های ترجمه‌شده وی می‌توان به

«اصول اساسی کارگردانی سینما»، «فیلم‌نامه‌نویسی

در قرن ۲۱»، «روانشناسی و زیبایی‌شناسی سینما» و...

اشاره کرد.

نگاهی متفاوت به ماجرای قتل یک دانشجو توسط سارقان

چالش زندگی خوابگاهی



نشان داد می‌توان اعتراضات صنفی را به‌درستی مدیریت کرد، بدون آنکه به بحران تبدیل شود. اغلب اعتراضات دانشجویی نه از سر بی‌نظمی یا به نیت برهم زدن اوضاع، بلکه نتیجه مشکلاتی است که مدت‌انباشته شده و پاسخی درخور نگرفته است. برخورد نامناسب و سختگیرانه، نه‌تنها مشکلات را حل نمی‌کند، بلکه باعث رادیکال‌تر شدن فضای اعتراضی و ایجاد نارضایتی گسترده‌تر می‌شود. در این مورد اما رویکرد صحیح نیروهای امنیتی و مسئولان نشان داد که امکان مدیریت آرام و مؤثر اعتراضات وجود دارد. این نوع مدیریت، تجربه‌ای ارزشمند است که می‌توان آن را به دیگر حوزه‌های مطالبات صنفی و اجتماعی دانشجویان تعمیم داد. وقتی دانشجویان احساس کنند اعتراض‌شان محترم شمرده می‌شود و مسئولان درصدد پاسخگویی برمی‌آیند، نه‌تنها از رادیکال شدن اعتراضات جلوگیری می‌شود، بلکه امکان رسیدن به راهکارهای عملی و پایدار افزایش می‌یابد. اعتراضات اخیر نشان داد بسیاری از مشکلات دانشجویان، از جمله شرایط نامناسب خوابگاه‌ها، امنیت مسیرهای تردد و نبود حمایت‌های رفاهی کاملاً قابل حل هستند به شرط آنکه اراده کافی برای تغییر وجود داشته باشد و صد البته رفتار دانشجویان نیز مناسب و به دور از حواشی باشد. دانشگاه‌ها و نهادهای مرتبط باید از این تجربه درس بگیرند و در سیاست‌گذاری‌های خود، فضایی برای گفت‌وگو و بیان مشکلات توسط دانشجویان فراهم کنند. اگر دانشجویان امکان اعتراض مسالمت‌آمیز و بیان مشکلات خود را داشته باشند، نیازی به تبدیل شدن مسائل صنفی به بحران‌های اجتماعی نخواهد بود. مشارکت دادن دانشجویان در فرآیند تصمیم‌گیری درباره مسائل مهم، مانند مدیریت خوابگاه‌ها، امنیت مسیرهای تردد و خدمات رفاهی، می‌تواند از بروز مشکلات مشابه در آینده جلوگیری کند. اتفاقات اخیر نشان داد اگر مطالبات دانشجویان جدی گرفته شود، به آنها پاسخ داده شود و دانشجویان نیز بدون حاشیه‌پردازی و افتادن دردام التهاب آفرینان صرفا مطالبات صنفی خود را بیان کنند، نه‌تنها آرامش حفظ می‌شود، بلکه این روند می‌تواند به بهبود واقعی وضعیت دانشجویان منجر شود. این تجربه نشان داد بحران‌ها نه‌تنها می‌توانند مدیریت شوند، بلکه می‌توان آنها را به فرصتی برای اصلاح و بهبود تبدیل کرد.

مشخص برای مراقبت از دانشجویان در خوابگاه‌هاست. دانشگاه‌های تهران، بویژه دانشگاه‌های دولتی، عملاً هیچ برنامه‌ای برای حمایت از دانشجویان خود در خوابگاه ندارند. این در حالی است که دانشجویان تازه‌وارد، بیش از هر گروه دیگری نیاز به حمایت دارند. در برخی کشورها، دانشگاه‌ها برای دانشجویان سال اول، مشاوران ویژه‌ای در خوابگاه‌ها در نظر می‌گیرند تا به آنان در تطبیق با شرایط جدید کمک کنند. این مشاوران نه‌تنها به مشکلات فردی و تحصیلی دانشجویان گوش می‌دهند، بلکه نقش نظارتی هم دارند تا اطمینان حاصل شود دانشجو در مسیر درستی قرار دارد اما در ایران، دانشجو پس از ورود به خوابگاه عملاً رها می‌شود. این وضعیت زمانی بحرانی‌تر می‌شود که در نظر بگیریم تهران شهری است که دانشجویان غیربومی در آن، در معرض آسیب‌های مختلفی هستند. از معضلاتی چون ناامنی مسیرهای منتهی به خوابگاه‌ها گرفته تا مشکلات اقتصادی و بخصوص فرهنگی و فشارهای روانی ناشی از دوری از خانواده، همگی می‌توانند تجربه تحصیل را برای دانشجو دشوار کنند. دانشگاه‌ها باید درک کنند که وظیفه آنها فقط ارائه آموزش نیست، بلکه تأمین امنیت و رفاه دانشجویان نیز بخش جدایی‌ناپذیر از مأموریت آنان است. برای ایجاد تغییر واقعی، دانشگاه‌ها باید نگرش خود را نسبت به خوابگاه‌ها تغییر دهند. این تغییر شامل افزایش ظرفیت خوابگاه‌ها، بهبود کیفیت امکانات، ارائه برنامه‌های آموزشی و فرهنگی در خوابگاه‌ها و همچنین ایجاد یک سیستم حمایتی برای دانشجویان تازه‌وارد است. دانشگاه‌های تهران باید بپذیرند که خوابگاه، صرفاً یک «جای خواب» نیست، بلکه محیطی است که بر آینده علمی و اجتماعی دانشجویان تأثیر مستقیم دارد. اگر این تغییرات انجام نشود، مشکلات خوابگاه‌ها نه‌تنها باقی خواهد ماند، بلکه به معضلی بزرگ‌تر برای سیستم آموزشی کشور تبدیل خواهد شد. اعتراضات دانشجویی پس از قتل امیرمحمد خالقی درمیان نشان داد دانشجویان نه‌تنها مطالبه‌گر حقوق خود هستند، بلکه انتظار دارند صیای‌شان شنیده شود. در این میان، برخورد آرام و همراهانه نیروهای امنیتی با این اعتراضات، نکته‌ای قابل توجه بود. امنیت‌یابی که همزمان با سوگ، خشم و نگرانی خود را ابراز می‌کردند، با رفتاری مواجه شدند که اجازه داد اعتراضات در فضایی آرام و منطقی پیش برود. این اتفاق

کیفیت و رفاه در خوابگاه‌های دانشجویی، نه یک امتیاز، بلکه یک ضرورت است. دانشگاه‌ها باید از نگاه حداقلی به مساله خوابگاه‌ها فراتر بروند و با برنامه‌ریزی دقیق و سرمایه‌گذاری مناسب، محیطی امن، سالم و پویا برای دانشجویان فراهم کنند. آینده علمی و اجتماعی کشور، به دانشجویانی وابسته است که در فضایی ایمن و پایسته رشد کنند و این مسئولیت بر دوش نظام آموزش عالی و نهادهای مرتبط سنگینی می‌کند. خوابگاه برای دانشجویی که تازه از شهری دور به تهران آمده باید خانه باشد، نه صرفاً محلی برای شب بیهوشی نماندن. دانشجویی که برای نخستین بار از خانواده جدا شده و با به محیطی کاملاً جدید گذاشته، با چالش‌های متعددی روبه‌رو است؛ از سازگاری با زندگی مستقل گرفته تا روبرویی با مسائل تحصیلی، اجتماعی و حتی مالی. در چنین شرایطی، خوابگاه تنها یک اتاق برای خوابیدن نیست، بلکه باید محیطی باشد که حس امنیت، آرامش و حمایت را به دانشجو منتقل کند. در خوابگاه‌های خوابگاه‌های دانشگاه‌های دولتی اما چنین نگاهی وجود ندارد. در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، خوابگاه‌های دانشجویی بر اساس الگوی «خانه دوم» طراحی شده‌اند. این یعنی دانشجو نه‌تنها سرنهانی برای استراحت دارد، بلکه فضای خوابگاه برای او محلی برای رشد اجتماعی، فرهنگی و شخصی نیز هست. برنامه‌های منظم آموزشی، فعالیت‌های تفریحی، امکانات ورزشی و فضای کافی برای تعامل و مطالعه گروهی، همگی بخشی از تجربه زندگی خوابگاهی محسوب می‌شوند. در ایران اما دانشگاه‌های دولتی اغلب خوابگاه را صرفاً به عنوان یک سرپناه اضطراری در نظر می‌گیرند که تنها کارکرد آن، جلوگیری از ماندن دانشجو در خیابان است. اگر دانشجویی که تازه وارد تهران شده در شرایطی مناسب زندگی کند، رشد و پیشرفت او تسهیل خواهد شد اما اگر فضای خوابگاه پر از تنش، کمبود و بی‌توجهی باشد، این دوران به یک دوره پراضطراب تبدیل خواهد شد که نه‌تنها تحصیل، بلکه سلامت روانی و اجتماعی دانشجو را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. وقتی اتاق‌های خوابگاه بیش از حد شلوغ باشند، امکانات رفاهی حداقلی باشد و مسئولان دانشگاه نگاه وظیفه‌مدارانه و حداقلی به آن داشته باشند، نتیجه چیزی جز سرخوردگی و فرسایش دانشجویان نخواهد بود. یکی از مشکلات اساسی، نبود یک سیستم

حادثة تلخ قتل دانشجویی دانشگاه تهران، بار دیگر نگاه‌ها را به شرایط زندگی خوابگاهی دانشجویان معطوف کرده است، امیرمحمد خالقی درمیان، دانشجوی ۱۹ ساله، در مسیر بازگشت به خوابگاه خود، قربانی حمله زورگیران شد و جان باخت. این اتفاق، اعتراضاتی را در میان دانشجویان برانگیخت و مساله امنیت و کیفیت زندگی در خوابگاه‌های دانشگاهی را به چالشی اساسی تبدیل کرد. در این میان، ضروری است نگاه دانشگاه‌های دولتی به مساله خوابگاه‌ها تغییر کند؛ تغییری که هم در زیرساخت‌ها و هم در رویکرد فرهنگی باید اعمال شود. خوابگاه‌های دانشجویی نقش مهمی در زندگی دانشجویان دارند اما شرایط نامناسب آنها همواره مورد انتقاد بوده است. بسیاری از خوابگاه‌ها ساختمان‌هایی قدیمی و فرسوده دارند که از استانداردهای ایمنی، بهداشتی و رفاهی فاصله دارند. کمبود فضای مناسب، نقص در تأسیسات گرمایشی و سرمایشی، کیفیت پایین غذا و مشکلات بهداشتی، تنها بخشی از چالش‌هایی است که دانشجویان با آنها مواجهند. افزون بر این، ظرفیت خوابگاه‌های دولتی پاسخگوی نیاز دانشجویان نیست و بسیاری از آنان مجبورند در محیط‌هایی با تراکم بالا و امکانات محدود زندگی کنند. در چنین شرایطی، نه‌تنها کیفیت تحصیل تحت تأثیر قرار می‌گیرد، بلکه سلامت جسمی و روانی دانشجویان نیز با خطر مواجه می‌شود. یکی از مشکلات اساسی خوابگاه‌های دانشجویی، امنیت مسیرهای منتهی به آنها و محیط اطراف شان است. حادثه اخیر نشان داد مسیرهای منتهی به خوابگاه‌ها می‌توانند به محل‌هایی ناامن برای دانشجویان تبدیل شوند. روشنایی نامناسب معابر، نبود نظارت کافی و عدم حضور مستمر نیروهای انتظامی در اطراف خوابگاه‌های دانشجویی عواملی هستند که باعث تهدید امنیت دانشجویان می‌شوند. در چنین شرایطی ضروری است اقداماتی نظیر تقویت روشنایی معابر، نصب دوربین‌های مدار بسته، ایجاد ایستگاه‌های نگهبانی در مسیرهای حساس و به‌کارگیری راهکارهای نظارتی مؤثر انجام شود تا دانشجویان بتوانند با آرامش بیشتری در مسیر خوابگاه‌های خود تردد کنند. علاوه بر مشکلات زیرساختی، نوع نگاه به زندگی خوابگاهی نیز نیازمند تغییر است. تاکنون سیاست‌های دانشگاهی به‌گونه‌ای بوده که خوابگاه صرفاً به‌عنوان محل سکونت دانشجویان در نظر گرفته شده و نیازهای رفاهی، فرهنگی و اجتماعی آنان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است که دانشجویان، بویژه آنان که از شهرهای دوردرست به دانشگاه‌های بزرگ آمده‌اند، بخش عمده‌ای از دوران تحصیل خود را در این محیط سپری می‌کنند. نبود امکانات رفاهی و تفریحی در خوابگاه‌ها، فقدان برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی مناسب و کمبود حمایت‌های روان‌شناختی، باعث شده زندگی خوابگاهی برای بسیاری از دانشجویان، به تجربه‌ای سخت و فرسایشی تبدیل شود. در این میان، لازم است دانشگاه‌ها برنامه‌های جامع‌تری برای مدیریت زندگی دانشجویی در خوابگاه‌ها تدوین کنند. ایجاد فضاهای تفریحی و ورزشی، برگزاری کارگاه‌های مهارت‌آموزی و فرهنگی، تأمین امکانات مناسب برای گذراندن اوقات فراغت و ارتقای سطح خدمات مشاوره‌ای، می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی خوابگاهی کمک کند. همچنین ارائه آموزش‌های لازم در زمینه امنیت فردی و آگاهی‌بخشی درباره راه‌های مقابله با تهدیدهای احتمالی، می‌تواند به افزایش سطح هوشیاری دانشجویان و کاهش آسیب‌های اجتماعی کمک کند. حادثه اخیر، هشدار جدی برای مسئولان و جامعه دانشگاهی است که نشان می‌دهد رویکردهای گذشته دیگر پاسخگوی نیازهای دانشجویان نیست. امنیت،

شیعه، مکتبی با خاستگاه سیاسی

اصولا در مکتب شیعه، توسعه و رشد واقعی به معنای تعالی انسانی است و وقتی طواغیت، کفار و ظالمان مانع این تعالی هستند، توسعه حقیقی مفهومی نخواهد داشت.

در زمان غلبه ظالمان، شیعیان به جای کنار گذاشتن مبارزه، آن را از شکل آشکار به مبارزه پنهان تبدیل می‌کنند اما از حرکت به سوی تعالی انسانی و اجتماعی دست برنمی‌دارند. از این رو، نسبت دادن انفعال، سازش و تسلیم به مساله تقیه، برداشتی نادرست و نارواست.

❖ دانش آموخته حوزه علمیه قم – فعال رسانه

۱- ویجهم انی زحزحوها؟ عن رواسی الرساله و قواعد النبوه و مهبط الوحي

۲- اعظم الخیانه خیانه الامه و افضل الغش غش الائمه

۳- فلو أن امرأ مسلما مات من بعد هذا أسفا ما كان به ملوما، بل كان به عندي جدیرا

۴- بأن مجاری الامور والاحکام علی ایدی العلماء بالله الامناء علی حلاله و حرامه

نمی‌شود، زیرا همان امامی که امر به ادای نماز و زکات به شکل خاصی کرده، سیره و سخنش نپذیرفتن ذلت و عدم ظلم‌پذیری و امر به مبارزه و مخالفت با ظلم و فریادرس‌ی به مظلومان نیز هست و همه این امور سیاسی و از مظاهر شیعه است همان‌طور که امور عبادی از شاعران شیعه محسوب می‌شود.

❖ جایگاه تقیه در شیعه و نسبت آن با مبارزه با ظلم ممکن است این پرسش مطرح شود که اگر شیعه مکتب مبارزه سیاسی است، پس نسبت تقیه با آن چیست؟

در پاسخ می‌توان گفت بر اساس آیات و روایات، تقیه راهبرد مکتب شیعه نیست، بلکه یک تاکتیک است. راهبرد شیعه، مبارزه با طواغیت، کفر و ستیز با بدعت در دین است، زیرا رشد معنوی در گرو نابودی این موانع است. اما تقیه، راهکاری برای بقای شیعه در شرایط خوف و ضعف است. شیعه‌ای که به عنوان یک مکتب مبارزه شناخته می‌شود، هرگز تقیه را به معنای خاموش کردن مبارزه برای رفاه و عافیت اجتماعی نمی‌داند.

دست علما باشد که بر حلال و حرام خدا امین هستند و از امت این منزلت را ربودند و آن از امت ربوده نشده مگر به واسطه تفرق امت از حق و اختلافش در سنت رسول الله^۳.

❖ بروز و ظهور سیاسی شیعه در اعصار مختلف مکتبی که هم خاستگاه آن سیاسی است و هم از پیشوایان آن اوامر و نواهی سیاسی زیادی صادر شده، نمی‌تواند در اعصار بدون بروز و ظهور سیاسی باشد. از قیام‌ها و مبارزات حق‌طلبانه شیعه در دوران حیات ائمه گرفته تا مبارزه علما و فقها و نهضت‌ها و انقلاب اسلامی همه به خاطر این بوده که اساس شیعه سیاسی است و جهت و بینش سیاسی خاصی را به جامعه تزریق کرده.

از جمله شعارهای اساسی و سیاسی شیعه، شعار هیئات من الذله و عدم ذلت‌پذیری و عدم ظلم‌پذیری است.

تفکری که معتقد باشد به خاطر بقا یا رفاه باید زیر بار ذلت و ظلم رفت، ولو از لحاظ عبادی مظاهر به تشیع باشد اما از لحاظ سیاسی شیعه محسوب

ادامه از صفحه اول

این امر را می‌توان در خطبه‌های حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها مشاهده کرد؛

آنجا که در اعتراض به واقعه سقیفه فرمودند: «وای به

حال‌شان خلافت را به چه جای دوری بردند. آن را از ریشه‌های در زمین فرو رفته رسالت و پایه‌های استوار نبوت و فرودگاه امین وحی و دانا و آگاه به امر دنیا و دین دور ساختند»^۱.

تا نامه‌های امیرالمومنین امیرالمومنین که فرمودند:

«بزرگ‌ترین خیانت‌ها خیانت به جامعه است و

شنیع‌ترین دغلبازی‌ها، دغلبازی با رهبران است»^۲.

نیز تأکید ایشان بر حمایت از مظلومان، حتی اهل ذمه که فرمودند: «اگر مرد مسلمانی از ظلمی که به

زنان در بلاد اسلامی از سمت دشمن شده امروز دق کند ملامتی بر او نیست»^۳.

علاوه بر این، امام حسین علیه‌السلام در خطبه منا خطاب به علما فرمودند: «هجرا و کلید امور باید به

